



پیوند توحید فردی و آرمان اجتماعی؛ شرط تقرب به خدا

معاون تهذیب و تربیت حوزه های علمیه کشور گفت: تحقق توحید در جان انسان و پدید آمدن انسان مؤمن موحد مایه تقرب او به خداست؛ اما این تقرب فردی با پیگیری آرمان اجتماعی و تاریخی و تحقق توحید در ساختارها و جوامع انسانی و ظهور امام عصر(عج) در رابطه است.

معاون تهذیب و تربیت حوزه های علمیه کشور گفت: تحقق توحید در جان انسان و پدید آمدن انسان مؤمن موحد مایه تقرب او به خداست؛ اما این تقرب فردی با پیگیری آرمان اجتماعی و تاریخی و تحقق توحید در ساختارها و جوامع انسانی و ظهور امام عصر(عج) در رابطه است.

حجت الاسلام محمد عالم زاده نوری، معاون تهذیب و تربیت حوزه های علمیه ماه رجب، ماه عبادت و طهارت و مناجات با خداست. این عبادت و معنویت، ایمان و توحید را در وجود انسان تقویت و او را به خدای رب العالمین نزدیک تر می کند و در نهایت توحید فردی تقویت می شود.

علی رغم توحید فردی که یکی از جنبه های این مفهوم است، فهم اجتماعی از توحید، نگاه جدید و کلان به یکی از موضوعات اصلی علم کلام، محوری ترین آموزه تمام ادیان است. بنابراین، با وجود اینکه رویکرد اجتماعی در ذات توحید وجود دارد، اما طی قرون گذشته از این ویژگی ذاتی توحید غفلت شده است.

از این رو خبرنگار ایکنا از قم با حجت الاسلام والمسلمین محمد عالم زاده نوری، معاون تهذیب و تربیت حوزه های علمیه کشور درباره چيستی رابطه «معنویت و توحید فردی» با «آرمان توحید اجتماعی یعنی حاکمیت ولی خدا و امام زمان(عج) در سراسر جهان» به گفت و گو پرداخته است که مشروح آن از نظر می گذرد:

بی شک تحقق توحید در جان انسان و پدید آمدن انسان مؤمن موحد مایه تقرب او به خداست؛ اما این تقرب فردی با پیگیری آرمان اجتماعی و تاریخی و تحقق توحید در ساختارها و جوامع انسانی و ظهور امام عصر(عج) چه نسبتی دارد؟ این موضوع را با چند بیان می توان توضیح داد:

نخست، تقرب به خدا به معنای نزدیک شدن به صفات اوست؛ کسی که ویژگی ها و صفات خدا را بیشتر داشته باشد به او نزدیک تر است و از جمله ویژگی های خداوند متعال همان خواسته نهایی و آرمان اوست. مرتبه بالاتر عبودیت را بشناسیم

بنده مقرب به خدا همان را می خواهد که خدا می خواهد و همان را دنبال می کند که خدا اراده کرده است؛ بنابراین هرچه خدایی تر شود خواسته های خدا را بیشتر می خواهد و به دنبال خواسته های بزرگ تر خدا می رود. اگر خدای متعال آینده ای روشن را برای بشر در زمین در نظر گرفته که در آن دین خدا یکپارچه و فراگیر در کل زمین حاکم باشد، تقرب به خدا در این است که بنده هم به دنبال آن باشد. کسی که خواسته خدا را درک نمی کند و طبعاً برای تحقق آن حرکتی ندارد از خدا دور است. همچنین با توجه به اینکه این آرمان، خواسته همه انبیا و اولیای خداست، هر کس که این خواسته را دنبال کند به انبیا و اولیای خدا مقرب تر است.

عبودیت فردی تنها در اندازه تجلی توحید در جان یک انسان منحصر مانده است. مرتبه بالاتر عبودیت، توحید کسی است که کفر و شرک را در هیچ جای جهان تحمل نمی کند و دغدغه اعتلای امر خدا در همه زمین را دارد و غیرت توحیدی او از اهانت به حریم پروردگار در هر سطح و ساحتی برمی آشوبد. این دو، بسیار متفاوت اند؛ توحید کسی که دغدغه اخلاص و بندگی خود را دارد و خدا را تنها بر مملکت وجود خویش حاکم کرده و توحید کسی که دغدغه مند حاکمیت الله بر همه جهان است. توحیدی که در وجود یک نفر جمع شده و توحیدی که در سراسر جهان بسط یافته است.

کسی که در راه اقامه توحید تلاش می کند باید از اکتفا به خوب شدن خود عبور کرده باشد و به حدی از کمال و زهد و تقوا رسیده باشد که اهتمام و حساسیت او به کلی به امر خدا معطوف شود؛ یعنی تمام انگیزه او این باشد که نام خدا و کلمه توحید را در عالم زنده کند و نه تنها خود بلکه همگان را موحد ببیند. اگر دین خدا اندکی آسیب یا ضربه ببیند، سخت برآشفته و دردمند است و اگر پرچم اسلام برافراشته و عزیز باشد، مسرور و مبتهج است.

اینکه کسی خودش خوب باشد ولی حساسیتی نسبت به پیروزی اسلام یا اقامه توحید و ولایت نداشته باشد کافی نیست. آن

کس که در خلوت خود به خدا عشق و اعتقاد دارد و او را فرمانروای همه عالم می‌شمارد نمی‌تواند ببیند کسی در جایگاه خدا نشسته و لاف خدایی می‌زند. مؤمن موحد برای پرپایی حقیقت توحید در عالم دغدغه دارد

مؤمن موحد کامل کسی است که علاوه بر تلاش برای به دست آوردن زهد و پرهیز از تعلق به دنیا، تعلقات شدیدتر و دغدغه بالاتری نسبت به برپایی حقیقت توحید در عالم دارد؛ و توان خود را صرف می‌کند تا اهداف خدا و اولیای خدا محقق شود. چنین کسی به خدا نزدیک تر است و با خدا نسبت و رابطه بیشتری دارد.

دوم، افق بلند معنویت و عرفان، فنا فی الله است و اولین مرتبه از فنا، فنا فی اراده عبد در اراده و خواست خداست؛ یعنی بندگان، اراده خدا را دنبال کنند و خواست خدا را بر خواست خود مقدم کنند و به جای خودخواهی، خداخواهی کنند. خواست خدا هم در این آیات آمده است: «وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (سوره قصص/ آیه ۵) «وَتُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ يَكْلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ» (سوره انفال/ آیه ۷)؛ خواست خدا ریشه کن شدن کفر و پیشوایی و حاکمیت بندگان صالح مستضعف در سراسر زمین است.

سوم، کسی که می‌خواهد مجری طرح خدا و کارگزار دستگاه او شود باید ارتباط قلبی ویژه ای با او داشته باشد و قابلیت های معنوی خود را شکوفا کند. ایفای این نقش بزرگ به آمادگی های روحی و دارایی های معنوی فراوان نیاز دارد؛ بنابراین توحید فردی مقدمه ای برای توحید اجتماعی است و آرمان معنوی فردی، مقدمه تحقق آرمان تاریخی الهی است. جامعه مؤمنان نیازمند تقدم خودسازی بر امامت اجتماعی است

بنده ای که قرار است در خدمت خدا باشد، باید او را به خوبی بشناسد و به او امیدوار و مؤمن باشد. برای او حرمت قائل شود، به او عشق بورزد و در مقابل او کرنش کند. عبادت و تقرب به خدای متعال، ذخیره سرشار معنوی برای حرکت پرخروش اجتماعی و تاریخی را فراهم می‌کند و ظرفیت پذیرش مسئولیت حرکت در کاروان امت به سوی آن مقصد متعالی را پدید می‌آورد.

به همین جهت خدای متعال به پیامبر خود توصیه می‌کند که عبادت، مناجات و خلوت شبانه داشته باشد تا آمادگی برای مسئولیت سنگین اجتماعی را بیابد و در آن صحنه عظیم تاب آورد: «يَا أَيُّهَا الْمَرْمِلُ، قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا، نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا، أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا؛ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا؛ اِي جَامِهْ بَهْ خَوِيشْتَن فَرُو پيچيده، شَبْ رَا بَهْ پَا خِيَزْ جَزْ اَنْدَكِي، نِيْمِيْ اَزْ اَنْ يَا اَنْدَكِي اَزْ اَنْ كَمْتَرْ يَا بَرْ اَنْ [نصف] بيفزاي و قرآن را شمرده شمرده بخوان؛ زيرا ما به زودی بر تو گفتاری گرانبار و مسئولیتی سنگین القا می‌کنیم.» (سوره مزمل/ آیات ۱ تا ۵)

در حدیث معروف امام علی(ع) نیز به تقدم خودسازی بر امامت اجتماعی توجه داده شده است؛ ولی نکته مهم در این حدیث این است که امامت اجتماعی را پیش فرض گرفته و با شخصیت هایی که در چنین مناصبی قرار دارند سخن می‌گوید: «مَنْ رَمِيَ بِتَصَبٍّ أَوْ تَفْسَةٍ أَوْ لِبَاسٍ أَوْ إِمَامَةٍ قَلْبِيْدًا يَتَعَلِّمُ تَفْسِيَهْ قَبْلَ تَعَلِّمِ غَيْرِهْ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيْبُهُ يَسِيْرَتِهْ قَبْلَ تَأْدِيْبِهْ يَلِسَانِهْ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِيَهْ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِحْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ.»

در آیات دیگری از قرآن کریم نیز پیش از درخواست پیروزی بر کافران از خدای بزرگ، عفو و رحمت و بخشش درخواست شده است. تو گویی برای حضور در میدان مبارزه، طهارت جان و سلامت نفس ضرورت دارد و این سبک بالی و پاکیزگی مقدمه ای برای درگیری با جریان کفر و تلاش برای چیرگی جبهه حق است و خدای متعال با تزکیه و پاک سازی پرونده بندگان، آن ها را در این رویارویی تاریخی یاری می‌کند: «قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَاقَنَا فِيْ رِمْلٍ أَمْرُنَا وَ تَيَّبْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» یا آیه «وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ اَرْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا قَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.» (سوره آل عمران/ آیه ۱۴۷).

توصیه امیرمؤمنان علی(ع) به مالک اشتر پس از نصب او به عنوان کارگزار مصر نیز در همین راستاست: «وَ اجْعَلْ لِنَفْسِكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلَ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ وَ اجْزَلْ تِلْكَ الْأَقْسَامِ وَ إِنْ كَانَتْ كُلُّهَا إِلَيْهِ إِذَا صَلَحَتْ فِيْهَا النَّيَّةُ؛ گرچه هر کاری با نیت پاک و خالص صورت پذیرد عملی خدایی و عبادت است ولی بهترین اوقات و ارزنده رِمْلٍ؛ ترین بخش های شبانه رِمْلٍ؛ روز را به عبادت و امور میان خودت و خدا اختصاص ده.»

خلاصه اینکه بار اسلام و امام عصر روی هر دوشی قرار نمی‌گیرد و برای سربازی آن حضرت آمادگی هایی لازم است. جامعه مؤمنان باید آمادگی های خود را برای برداشتن بارهای سنگین اجتماعی و رسالت های تاریخی افزایش دهد و برای این منظور به تقویت روحی و معنوی بسیاری نیاز دارد؛ زیرا بدون جهاد شب و مناجات سحری توفیق جهاد روز را به دست نمی‌آورد. جاری کردن توحید در وجود خود؛ مقدمه جریان توحید در جامعه

چهارم، جاری کردن توحید و ایمان در مملکت وجود خود، مقدمه جریان توحید در جامعه است. اگر کسی نتواند در مقیاس کوچک وجود خود که در آن بیشترین اختیار و اراده را دارد، بندگی خدا را حاکم کند، بی تردید نمی تواند در مقیاس ابعاد گسترده و روابط پیچیده اجتماعی در این کار موفق شود. مبارزه با طاغوت نفس، میدان تمرین مبارزه با طاغوت های بیرونی است.

اعضای یک هم نوازی بزرگ، همگی باید نوازندگان چیره دست و کاربلد باشند، همان طور که اعضای تیم فوتبال باید همگی بر حرکت دادن توپ مسلط باشند. هرچه این تسلط بیشتر باشد، آن کار گروهی قوی تر اجرا می شود و تمیزتر از آب درمی آید؛ بنابراین هرکس می خواهد در این کار جمعی عضویت و مشارکت داشته باشد، باید پیش تر به شکل فردی تمرین کرده باشد.

روشن است که آن تمرین فردی، فوتبال یا هم نوازی نیست و نهایتاً کسب آمادگی برای آن محسوب می شود. دین داری هم همین گونه است؛ حقیقت دین داری همان نقش آفرینی اجتماعی و حرکت گروهی جماعتی به هم پیوسته است که امامی و امامی دارند و دین داری فردی، کسب آمادگی برای آن دین داری اصلی است و ذخیره معنوی مورد نیاز آن را تأمین می کند.

پنجم، انسان هر مقدار خدایی تر شود در اثرگذاری و نقش آفرینی به خدا نزدیک تر می شود و اراده و همت بزرگ تری خواهد داشت. کسی که درصدد یک اقدام عظیم و حرکت بزرگ است، باید وصل به بزرگ باشد. برای انجام دادن کارهای عظیم و دنبال کردن مقاصد بلند باید به منبع قدرت و عظمت متصل شد.

خداوند متعال منبع لایزال غنا و صمدیت و سرچشمه بی نهایت همه بزرگی ها و دارایی ها و توانایی هاست و انسان با اتصال به او و اتکال به قدرت گسترده او ظرفیت بی نهایت پیدا می کند؛ امام صادق(ع) فرمود: «إِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ إِيْصَالًا بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ إِيْصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا»، در مناجات شعبانیه می خوانیم: «حَتَّى تَحْرِقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجَبَ الثُّورِ، فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ» توان و استعداد انسان بی نهایت است، اما مشروط بر آنکه به خدای بی نهایت متصل شود.

ششم، کسی که در پی یک آرمان بزرگ در صحنه پرمسئله اجتماع با جدیت در مبارزه با موانع و طاغوت ها می خروشد، ضعف و کوچکی خود و سنگینی مسئولیت و عظمت خواسته خود از یک سو و بلندای افق و خواسته خدا را از سوی دیگر مرور می کند به اضطراب می افتد و عجز، فقر، ضعف و ناچیزی خود را در مناسبت با این افق اعلی، به شهود و عیان درک می کند. و مگر لبّ توحید و بندگی فردی جز همین درک اضطراب و مسکنت و فقر ذاتی است؟ چنین کسی نیاز بیشتری به ارتباط با خدا، مناجات با او، درخواست از او، توکل بر او و تفویض به او دارد و این نیاز را بیشتر درک می کند.

مناجات های رزمندگان اسلام در شب های عملیات، یقیناً خالصانه تر و متضرعانه تر از عبادت های اهل معنویت در خلوت و آسایش زندگی شهری است. اساساً خدای متعال انسان ها را به درد و مصیبت گرفتار می کند تا حال التجا و تضرع برای آنان حاصل شود؛ همان حال تضرعی که در میدان مجاهدت اجتماعی به راحتی حاصل است. از مرحوم آیت الله مشکینی نقل شده در پاسخ به رزمنده ای که گفت نمازم را با لباس خونی و نجس، بدون وضو و با تیمم ناقص، به سختی و به حال نیم خیز در گوشه کانال زیر آتش دشمن خوانده ام فرمودند: «حاضر ۷۰ سال عبادت خود را با همان دو رکعت عوض کنم».

هرچه مسئولیت سنگین تر باشد نیاز به عنایت خدا بیشتر دیده می شود و فقر و نقص و نیاز و مسکنت آشکارتر است و عظمت و قدرت و رحمت و هیمنه خدا نمایان تر. اینجا اتکا به وعده خدا و امید به رحمت سرشار او و تلاش برای درک عنایات و امدادها و تأییدات او لازم تر است.

انسان مؤمن در اینجا اسم اعظم پروردگار را تمنا می کند و با آن اسم مبارک رابطه می گیرد و در خلوت خود به تضرع و التجا از او درخواست می کند و راه های بسته را با توکل بر خدا و توسل به اهل بیت می گشاید. سجده، انابه و توسل دیگر نه یک امر مستحب که یک نیاز واجب و ضروری خواهد بود. حرکت به سمت خدا تنها سجده کردن و عبادت ظاهری نیست

مادام که انسان مؤمن برای خود قدر و قدرتی قائل است و گمان می کند در مسیر نصرت خدا و سربازی دین او می تواند اقدامی کند به شرک خفی مبتلاست و برای آنکه از این آسیب مهم نجات یابد در صحنه های پرتلاطم درگیری و بلا، اضطراب خود را ببیند و دست قدرت و عنایت خدا را درک کند و معنای «قَلَمَ تَقْلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»؛ لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءَ حَسَنًا» (سوره انفال/آیه ۱۷) را به چشم جان مشاهد کند.

«إِلَهِي حَقِّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ وَ اسْلُكْ بِي مَسْلَكَ أَهْلِ الْجَذْبِ إِلَهِي أَقْمِنِي [أَعِزَّنِي] يَتَذَكَّرُ لِي عَنْ تَدْيِيرِي وَ اخْتِيَارَكَ [وَأَخْتِيَارَكَ] لِي عَنْ اخْتِيَارِي وَ أَوْفِقْنِي عَلَى مَرَاكِزِ اضْطِرَارِي»؛ در این مراکز اضطراب، فرصت طلایی معنویت، و قرب

حقیقی حاصل می شود و انسان نیاز به خدا را درک می کند. عبادت واقعی در گرو همین شهود فقر و ذلت، و معرفت نیازمندی به خدا و حضور در محضر قدرت پروردگار است.

حرکت به سمت خدا و کسب معنویت تنها سجده کردن و عبادت ظاهری نیست، حقیقت عبودیت شناخت فقر وجودی و معرفت به ذلت ذاتی است. کسی که به تصمیم و اراده خود اعتماد دارد و برای خود، قدر و قیمت و قدرتی قایل است مشرک است؛ به همین جهت کسب معنویت فردی در میدان جهاد که میدان درگیری های جدی، مشکلات سنگین و مسئولیت های طاقت فرسا و کمرشکن است بهتر حاصل می شود.

بنابراین رابطه دوسویه ای میان «آرمان فردی عبودی» و «آرمان جمعی الهی» وجود دارد؛ از یک سو عبودیت فردی برای آرمان جمعی آمادگی ایجاد می کند و انسان را به ظرفیت روحی لازم و اتصال به منبع عظمت برای ایفای آن مسئولیت سنگین مجهز می کند. از سوی دیگر تلاش برای آن آرمان جمعی و تاریخی به عبودیت و معنویت فردی یاری می رساند و عجز و فقر و ذلت و خضوع ذاتی را می نمایاند؛ به این ترتیب سرباز دین خدا، متعبدترین و معنوی ترین خواهد شد و خود را به سلوک و عبادت و سجده و مناجات سحر، نیازمند بلکه مضطر می بیند.

ایکنا